

پرکارترین معلم

اصل و شرح

شاهرخ آقاوی، معلم ریاضی متوسطه اول مدرسه مجازی هلال احمر است. او را به عنوان پرکارترین معلم این مدرسه می‌شناسند؛ کسی که در طول اردیبهشت، ۲۵ ساعت از وقت خود را صرف تدریس داوطلبانه در

مدرسه مجازی هلال کرده است. البته او قبل از اینکه آموزگار داوطلب این مدرسه شود نام خود را در لیست جان‌فداها ثبت کرده و خوشحال است که توانسته به صورت عملی در این دوران کاری برای بچه‌های ایران انجام دهد. محمد ترابی، مشاور تحصیلی هم جزو این معلمان داوطلب است. او که فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه بسیاری دارد معتقد است اگر

طرح مدرسه مجازی از سوی آموزش و پرورش پیگیری می‌شد کارهای خیلی بزرگ‌تری هم می‌شد انجام داد. او معتقد است حالا با این ظرفیت شناسایی‌شده از معلمان داوطلب در تهران خیلی راحت می‌شود برای یک میلیون کودک محروم از تحصیل برنامه‌ریزی کرد و نقطه پایانی گذاشت برای این چالش اجتماعی.

نرمش صبحگاهی با نوای ضرب مرشد

پویش «پهلوان ایران» در کلاس‌های مجازی اجرا می‌شود



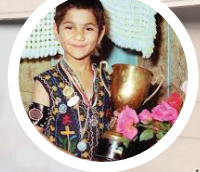
آموزش میل و شنا
سال ۱۴۰۲ طرح به نتیجه رسید و مدارس برخی استان‌ها مانند فارس نرمش صبحگاهی خود را با ضرب زورخانه شروع کردند. وقتی صدای مرشد در مدرسه‌ها پیچید، ورزش عملی هم شروع شد. ۳۶ جلسه آموزشی طراحی شد که نیمی از آن ورزش زورخانه‌ای و نیمی مرشدی است. ویدئوی آموزشی این جلسات هم تولید شده است. اما آموزش اصلی به صورت حضوری انجام می‌گیرد. ابراهیمی می‌گوید: «آموزش این رشته به تماشای فیلم‌ها انجام نمی‌شود، بلکه یک مربی باید مستقیماً به دانش‌آموزان آموزش دهد. اگر از بین کارکنان آموزش و پرورش مربی پیدا نشدند از دوستان هیأت ورزش زورخانه‌ای استان کمک می‌گیریم. ترجیح این است که فضای تمرین هم در ورزشگاه‌های آموزش و پرورش باشد، اما می‌توان از کمک دیگر ارگان‌ها برای فضای ورزشی هم استفاده کرد. در بعضی استان‌ها مانند خراسان رضوی و قم هیأت ورزش زورخانه‌ای آنقدر استقبال کرد که دانش‌آموزان را گوید زورخانه آموزش دیدند.»

محمد سربای | روزنامه‌نگار | نرمش صبحگاهی مدرسه با صدای سوت اجرا
شود بهتر است یا با صدای ضرب زورخانه که موسیقی سنتی ورزش ایران است؟ آن هم با صدای مرشدی که از میان خود دانش‌آموزان آموزش دیده و انتخاب شده است. این هدف طرح «پهلوان سعید» بود که بچه‌ها جذب ورزش زورخانه‌ای شوند و برای همین دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم برای آموزش «مرشدی» انتخاب شدند، اما کار بیشتر پیش رفت و حالا ارتباط میان ورزش زورخانه‌ای و مدارس برقرار شده است که پای نوجوانان را به زورخانه‌ها باز می‌کند تا این سنت و فرهنگ ملی ایرانی حفظ شود.



مرشد از میان بچه‌ها
ایسده ورزش صبحگاهی با ضرب زورخانه از سال‌های دهه ۹۰ در آموزش و پرورش مطرح شده بود، اما در سال ۱۴۰۰ بود که زمینه اجرای آن فراهم شد. رضا ابراهیمی، معاون دفتر تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی آموزش و پرورش در این باره به همشهری می‌گوید: «طرح اولیه از اینجا شکل گرفت که سال ۱۴۰۱ قرار شد نرمش صبحگاهی بعضی از مدارس پس‌رانه به جای سوت با نوای مرشد زورخانه انجام شود. ۷ استان که بیشتر در حوزه ورزش زورخانه‌ای فعالیت می‌کردند مانند استان تهران، شهرستان‌های تهران، فارس، یزد و... انتخاب شدند و در آنها ۴۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان آموزش مرشدی دیدند. توافقنامه‌های هم با دوستان فدراسیون ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی امضا کردیم و لوازمی مانند ضرب زورخانه خریداری شد. سال بعد این طرح در تمام کشور ادامه پیدا کرد. البته تعداد مرشد‌هایی که بتوانند به دانش‌آموزان یاد بدهند محدود بود، اما با هم ۴ هزار دانش‌آموز دیگر آموزش دیدند.»

وزرشکار نونهال شهید
نام طرح که ابتدا «شهید طوقانی» بود به «پهلوان سعید» تغییر کرد. پهلوان سعید طوقانی از ورزشکاران دارای مدال رده نونهالان ورزش زورخانه‌ای در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی بود. او پس از انقلاب اسلامی با اینکه همچنان سن و سال زیادی نداشت، به جبهه‌های جنگ رفت و در فضای جبهه نیز ورزش باستانی را رها نکرد تا زمانی که در سال ۱۳۶۳ به شهادت رسید.



مدرسه‌های برای بچه‌های ایران

در باره مدرسه مجازی هلال احمر که شروع به کار کرده است

فاطمه عسگری نیا | روزنامه‌نگار | جامعه پدیا
از زمان شروع جنگ تحمیلی سوم تا امروز مردم ایران به هر شکل و طریقی که می‌توانستند سهم و نقش خود را در حمایت از ایران و ایرانی نشان داده‌اند؛ پزشکان، پرستاران، جان‌فداها و حالا نوبت معلم‌هاست؛ معلم‌هایی که داوطلبانه استین همت بالا زده‌اند و در مدرسه مجازی هلال، تدریس رایگان به دانش‌آموزان از مقطع دوم ابتدایی تا پایان متوسطه را طی اردیبهشت ۱۴۰۵ شروع کرده‌اند.

ماجرا از چه قرار است
اوایل اردیبهشت امسال بود که ایده شکل‌گیری مدرسه مجازی هلال شکل گرفت. اول قسار بسود آموزش‌ها حول و حوش دروس مقطع هشتم تا دوازدهم صورت بگیرد اما وقتی فراخوان جذب آموزگاران داوطلب منتشر شد و تعداد زیادی از معلمان برای شرکت در این دوره اعلام آمادگی کردند مصوب شد آموزش‌ها از دوم ابتدایی تا دوازدهم ضبط و پخش شود. پیشنهاد آموزش دروس از برهه‌ای که مدارس تعطیل شد با مخالفت معلمان داوطلب روبرو شد و آنها قرار گذاشتند هم برای جبران عقب‌افتادگی دانش‌آموزان و هم تقویت پایه تحصیلی‌شان، آموزش دروس هر مقطع از ابتدایی تا دوازدهم درسی شروع شود. به قول آبتین عابد، مدیر مدرسه مجازی هلال احمر این کار ۲۱ ساله است؛ یکی دوره کامل دروس برای دانش‌آموزان و دیگری ضبط کامل آموزش‌ها از ابتدایی هر مقطع که به دانش‌آموزان مناطق محروم فرصت می‌داد با دسترسی به این آموزش‌ها توان علمی خود را تقویت کنند.

جوان ترین معلمان
آموزگاران داوطلب مدرسه مجازی هلال احمر اغلب باتجربه هستند اما در میان این آموزگاران، جوان‌های دهم‌هشتادی هم دیده می‌شوند؛ یکی مثل مسیح شریعی که حالا با ۲۱ سال سن به عنوان جوان‌ترین آموزگار مدرسه مجازی هلال احمر شناخته می‌شود. او در کنار بنیامین گروسی که ۲۲ ساله است رکورد جوان‌ترین آموزگاران داوطلب این مدرسه را به‌خود اختصاص داده‌اند.

نه به کاغذ



ژتون‌های پلاستیکی جای کاغذ را برای بلیت‌های تک‌سفره در مترو و شیراز گرفته‌اند؛ اتفاقی که بعد از انتشار یک مکتب در شبکه اجتماعی ایکس از سوی یکی از کاربران، به سرعت مورد توجه قرار

گرفت. بر اساس توضیحاتی که این کاربر ارائه داد، گویی متروی شیراز برای کاهش مصرف کاغذ و حفظ محیط‌زیست، به جای بلیت‌های کاغذی از ژتون‌های قابل استفاده مجدد استفاده می‌کند. روال کار هم

اینگونه است که مسافران پس از پرداخت هزینه، یک ژتون پلاستیکی دریافت می‌کنند و هنگام عبور، آن را در گیت می‌اندازند تا این ژتون دوباره به مسیر استفاده برگردد.

هدیه‌ای برای یک مادر

۳۱۳ نفر از مردم شهر یک اثر هنری تعاملی متفاوت به مادر و مادر بزرگ خانواده شهیدها کیال‌ها ورست می‌هدا کردند

رابعه تیموری | روزنامه‌نگار | گزارش
۳۱۳ نفر از مردم گوشه‌کنار تهران دور هم جمع شدند تا برای تسکین دل مادر و مادر بزرگ شهیدان رستمی و کیال‌ها کاری انجام دهند؛ مادری که در جنگ تحمیلی سوم ۸ عضو خانواده‌اش را در راه وطن فدا کرده است. آنها برای غافلگیری و خوشحال کردن او یک هدیه ویژه تدارک دیدند؛ یک تابلوی نقاشی خیلی بزرگ که از ۳۱۳ قطعه تشکیل شده و از کنار هم قرار گرفتن این قطعات تصویری به یادشدهای این خانواده خلق شد. این ۳۱۳ نفر به دعوت تعدادی از فعالان فرهنگی دور هم جمع شدند و اثری که به وجود آوردند یکی از بزرگ‌ترین و خاص‌ترین آثار هنری تعاملی کشور است.

مشارکت بدون محدودیت
وقتی تعدادی از فعالان فرهنگی در فضای مجازی اعلام کردند که قرار است با مشارکت مردم هدیه‌ای متفاوت برای طاهره سربازموزی، مادر و مادر بزرگ شهیدان رستمی و کیال‌ها تدارک ببینند، خیلی زود شمار داوطلبان به ۳۱۳ نفر رسید. در میان داوطلبان از بانوی ۷۰ ساله تا کودک ۴-۳ ساله یافت می‌شد. یکی کاسب بود دیگری دانش‌آموز، یکی خاندان و دیگری نظامی. هر کس بانی یک یا چند قطعه از تابلو شد و از هزینه ساخت تارنگ‌آمیزی آن را بر عهده گرفت. اگر هم کسی بضاعت مالی برای تقبل هزینه ساخت نداشت، همان مشارکت در رنگ‌آمیزی کافی بود. مریم عصارنژاد که یکی از فعالان فرهنگی و بنیان این فراخوان مردمی است، می‌گوید: «طول تابلو ۷ متر و ۳۰ سانتی‌متر و عرض آن ۵ متر و ۲۰ سانتی‌متر است که به ۳۱۳ قطعه تقسیم شده. هر قطعه هم ۲۰ تا ۴۰ سانتی‌متر است.»



یک اثر عاشقانه

بسیاری از داوطلبان تا به حال قلم‌مو به دست نگرفته بودند و هیچ وقت نقاشی نبوده‌اند، اما دوست داشتند در شاد کردن دل این مادر شهید سهیم باشند. «از آنجا که قرار بود کار مردمی باشد و مهارت و توانایی شرکت‌کنندگان متنوع بود، ۲ هفته طول کشید تا طراحان توانستند برای تابلو طرحی انتخاب کنند که با وجود محدودیت در رنگ و جزئیات، ویژگی‌های هنری و مفهومی قابل توجهی داشته باشد. تعدادی از نقاشان هم در روز رنگ‌آمیزی به‌عنوان راهنما در کنار شرکت‌کنندگان بودند تا اصول کار را به آنها آموزش دهند.» گسترده‌گی کار باعث شد رنگ‌آمیزی قطعات ۳ روز به درازا بکشد؛ «با آنکه هر یک از شرکت‌کنندگان مسکن نقاط مختلف تهران بودند و هر کدام مشغله‌های متفاوتی داشتند وقتی شروع رنگ‌آمیزی قطعات طراحی‌شده را اعلام کردیم، همه آنها ۳ روز در ساختمان حوزه هنری و یکی از سالن‌های ساختمان شهرداری منطقه ۴ دور هم جمع شدند و شروع به رنگ‌آمیزی پارتی کردند که قرار بود دل یک مادر شهید را کمی تسکین دهد.»

تکریم درخت با شرف

وقتی رنگ‌آمیزی قطعات به پایان رسید، کنار هم قرار گرفتند تا طرح آن رخ نشان دهند. «فرشته‌های آسمانی ۷ شهید خانواده قدردان و سیاست‌گزار دور درختی حلقه زده‌اند که پیکر طفل ۲۲ روزه آنها را پس از انفجار در آغوش گرفته بود و مادر شهید در صحبت‌هایش از آن به‌عنوان درخت باسرافت یاد کرده بود...» این تابلو در میدان هفت‌حوض به مادر این خانواده شهید اهدا شد؛ همان میدانی که مادر در روزهای جنگ به همراه عزیزان شهیدش در گوشه و کنار آن پرچم گردانی کرده بود و هر گوشه‌اش خاطرات آخرین لحظات زندگی عزیزانش را زنده می‌کرد. «ما نصب تابلو را در حضور مادر شهید انجام دادیم و با آنکه ساعت‌ها نصب تابلو طول کشید و مادر شهید همان روز مسافر بود تا پایان کار کنار ما ماند و بعد برای دیدن عزیزانش به گلزار شهدای قزوین رفت.»

برای شادی دل مادر

مادر قدر این هدلی مردم بسا دل داغدار خودش را خوب می‌دانست؛ «ما اصلاً فکر نمی‌کردیم مردم در این طرح به این اندازه مشارکت کنند. تعدادی از آنها حتی ۱۰ ساعت سر یا ایستادند تا رنگ‌آمیزی تابلو را انجام دهند. در جریان کار هیچ‌کس در قید آسودگی خودش نبود و بسیاری از شرکت‌کنندگان حتی روی زمین، روی جدول حاشیه خیابان و حتی کف خیابان مشرف به سالن اجرای طرح می‌نشستند و کارشان را انجام می‌دادند. تا لحظه آخر هم پای کار بودند و از رنگ‌آمیزی تا جایه‌جا کردن بوم‌ها و نصب تابلو مشارکت داشتند.»



مکتب نقش ما

در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ عده‌ای از فعالان فرهنگی که در عرصه‌های هنری هم دستی بر آتش داشتند، تصمیم گرفتند با تشکیل کانالی مجازی مردم را به حضور در انتخابات و ایفای نقش شهروندی خود تشویق کنند. تأثیرگذاری این حرکت در ایام انتخابات باعث شد کانال مجازی «نقش ما» بعد از فرونشستن تب‌وتاب و هیجانات آن دوره هم پابرجا بماند و بانیان آن در برهه‌های زمانی مختلف به تناسب و بر خاور شرایط مردم را به حضور در میدان‌های سیاسی و اجتماعی دعوت کنند. عصارنژاد درباره رویکرد و ادامه مسیر این کانال مجازی می‌گوید: «تجربه نشان داده هر وقت برای مردم نقش تعریف شود و از آنها بخواهیم در عرصه‌های حضور داشته باشند، حتماً نقش آفرینی و مشارکتی فعال خواهند داشت. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین نیازهای کنونی جامعه روشنگری و شرح واقعیت‌هاست، ما بنای کار کانال را بر مشارکت مردم در روشنگری جامعه قرار دادیم و سعی کردیم به روش‌های مختلف فضای بحث و گفت‌وگوهای عمومی در مورد مسائل چالشی روز را به وجود بیاوریم.»

به شرط شگفتانه بودن
شبهه‌های فراخوان و مشارکت‌افزایی عصارنژاد و هم‌اانش در برهه‌های زمانی مختلف متفاوت بود و گاهی مخاطبان خود را به تحریرم محصولات رژیم صهیونیستی دعوت می‌کردند و گاهی آنها را به تأمل و واکنش اخبار پرشبهه و غیرالوده فرامی‌خواندند. با شروع جنگ تحمیلی سوم این حضور و مشارکت‌افزایی مجازی فعالان فرهنگی جای خود را به حضوری میدانی داد و خلقی یکی از بزرگ‌ترین تابلوهای هنری تعاملی کشور یکی از آثار این حضور همگراپانه بود؛ حضوری که به قول عصارنژاد قرار است تداوم پیدا کند؛ «ما حتماً طرح‌های دیگری هم خواهیم داشت که بر پایه حضور و همراهی مردم طراحی و اجرا می‌شود، اما تلاش می‌کنیم جنبه شگفتانه بودن کار حفظ شود و رویکرد و اهداف گروه در قالب‌های خلاقانه و نو دیگری دنبال شود.»